



اشاره:

دکتر منوچهر محمدی نیاز به معرفی ندارد. استاد برجسته دانشگاه تهران و مشاور ارشد وزیر امور خارجه، سالیان متمادی است که در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور و خارج از کشور به تدریس و تحقیق همت گماشته و چهره‌ای شناخته شده می‌باشد. از اینرو مناسب دیدیم تا با توجه به ارتباط نزدیک این استاد دانشگاه با مراکز حوزوی نظرات وی را در مورد بحث «وحدت حوزه و دانشگاه» جویا شویم.

این گفت‌وگو هر چند کوتاه و مختصر است، اما با این حال، حاوی نکات ارزنده‌ای است که توجه شما خوانندگان ارجمند را به آن جلب می‌نماییم.

دکتر منوچهر محمدی:

مشکل، مشکل اندیشه‌ای و بنیادهای فکری است.





مبادی سکولاریسم را ترک کند و نوعی بومی سازی انجام بشود. ما فکر کردیم که مثلاً با اضافه کردن بعضی از دروس دینی و دانشگاهی که کلاً بنیادهایش سکولاریسمی است، می توانیم یک نوع تلفیقی ایجاد کنیم یا دانشگاه‌ها را اسلامی کنیم، در حالی که مشکل ما مشکل عمیق و بنیادین فکری بود و لذا علی‌رغم گذشت ۳۰ سال، همچنان بین حوزه و دانشگاه یک شکافی وجود دارد.

پویا: با توجه به این فرمایش شما، آسیب‌های پیش روی این وحدت چطور است و چگونه باید این آسیب‌ها را برطرف کرد؟

دکتر منوچهر محمدی: اعتقاد من این است که ما اصلاً چیزی را به عنوان دو نهاد جداگانه به نام حوزه و دانشگاه نباید بینیم، بلکه با ادغام آن‌ها و با بومی کردن دروس و رشته‌هایی که امروز مورد نیاز هست؛ به خصوص رشته‌های

علوم انسانی، این تفکیک را از بین ببریم. تا زمانی که ما از چیزی به نام حوزه، جدا از دانشگاه صحبت می‌کنیم - البته از تجربیات دانشگاه، هم حوزه می‌تواند استفاده کند، کما این که استفاده می‌کند - ولی این دانشگاه ما همچنان دانشگاهی است که تحت تأثیر بنیادهای فکری اندیشه‌های غربی و سکولاریستی است. تا زمانی که چنین وضعی باشد، ما موفق نخواهیم شد وحدتی ایجاد کنیم.

پویا: به نظر شما با توجه به تفاوت ساختار این دو نهاد، آیا چنین وحدتی محقق می‌شود؟

دکتر منوچهر محمدی: فکر می‌کنم اگر ساختارها خوب باشد، مشکلی ندارد. مشکل، مشکل اندیشه‌ای و بنیادهای فکری است.

پویا: به نظر حضرت عالی تاریخچه اندیشه وحدت حوزه و دانشگاه به چه زمانی برمی‌گردد؟

دکتر منوچهر محمدی: تاریخچه این بحث به دوران اول انقلاب به خصوص به دورانی که شهید مطهری و شهید مفتاح به عنوان دو شخصیت حوزوی در دانشگاه مشغول فعالیت شدند و تلاش کردند این تفکیک بین دانشگاه و حوزه که بعد از دوره پهلوی اول به وجود آمده بود را مجدداً به آن برگردانند و لذا روز شهادت مرحوم مفتاح را روز وحدت حوزه دانشگاه شناختند. البته تلاش‌های زیادی هم در این مورد صورت گرفت، ولی متأسفانه موفقیت قابل توجهی پیدا نشد؛ اگرچه تفاوت میان حوزه و دانشگاه یک امر سیاسی نبود، بلکه یک امر محتوایی و فکری بود. نظام دانشگاهی ما به وسیله عناصر غرب‌زده و سکولار ایجاد شد و محتوای دروس ما هم به طور عمده به خصوص در علوم انسانی محتوای غربی بود که هنوز هم هست.

بنابر این برای ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه می‌بایست یک حرکت بنیادین و فکری به همین شیوه‌ای که در قدیم بود، صورت بگیرد؛ یعنی هم دروس دینی و هم دروس عرفی با بینش اسلامی در حوزه‌ها مطالعه می‌شود. در این دوره هم می‌بایست ما به طور کلی با اعتقاد به حوزه و دانشگاه و با تکیه بر تجربیات گذشته خودمان چنین کاری را صورت بدهیم، کما این که انقلاب فرهنگی هم نتوانست تحولات لازم را به وجود بیاورد. این که امروز همه مسئولان و مقام معظم رهبری از علوم انسانی غرب‌زده ابراز نگرانی می‌کنند، ناشی از ناکامی است که در وحدت حوزه و دانشگاه ایجاد شد.

پویا: با توجه به فرمایشات حضرت عالی، معنای دقیق وحدت حوزه و دانشگاه چیست و مراد رهبران انقلاب از طرح این نظریه چه بود؟

دکتر منوچهر محمدی: اصولاً مراد این بود که از لحاظ جریان فکری، این دو نهاد تفاوتی نداشته باشند و زیربنای فکری هر دو یکی باشد؛ یعنی دانشگاه

